



زن جوان که ۳ سال بعد از سلطه گری های مرد سلطان صفت به تنگ آمده بود راز سرنوشت سیاهش را فاش کرد.

این زن با اشک و گریه خواستار رهایی از دست رئیس شرکتی شد که زندگی را برایش کابوس کرده بود.

# حوادث



شنبه، ۶ تیر ۱۴۰۲  
۸ دی الحجه ۱۴۴۴  
سال بیست و نهم  
شماره ۸۲۱۸

Iran Newspaper

ISSN1027-1449  
Keytitle: IRAN (Tehran)  
irannewspaper.ir

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده ها / داستان های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

## تیترها

پسر جوان جلوی چشم پدرش ریخته شد

### دام شوم در وسوسه ثروت باد آورده

مرد کاشانی و پسرش در دام سیاهی گرفتار شدند و در آن خودروی مردی در حالی که پسرش داخل آن بود ریخته شد.



مقتولان همه خواب بودند که قاتل سر رسید

### قتل عام اعضای خانواده با شلیک ۱۱ گلوله

پسر جوان در اقدامی هولناک با شلیک ۱۱ گلوله همه اعضای خانواده اش را به قتل رساند و خودکشی کرد.

### در گفت و گو ویژه با سردار کیومرث عزیز فرمانده انتظامی غرب استان تهران تشریح شد

### مهمترین چالش در مبارزه با سوداگران مرگ!

همزمان با سالروز جهانی مبارزه با مواد مخدر به سراغ سردار کیومرث عزیز فرمانده انتظامی غرب استان تهران رفتیم. وی معتقد است ۴۰ درصد سرقت های غرب استان تهران مستقیماً با مواد مخدر در ارتباط است.

همزمان با سالروز جهانی مبارزه با مواد مخدر به سراغ سردار کیومرث عزیز فرمانده انتظامی غرب استان تهران رفتیم. وی معتقد است ۴۰ درصد سرقت های غرب استان تهران مستقیماً با مواد مخدر در ارتباط است.



### مرگ کودک در دنیای اقیونی مادر

آن روز نفس فرار رسید، من و مهران پس از مصرف مواد مخدر در حال و هوای خودمان بودیم و یادمان رفته بود که باقیمانده مواد را جمع کنیم که پسرمان آن را برداشت و خورد.

### خشم آبی برای جنایت کافی بود

### راز مرد گمشده در حمام خونین همسایه

مردی در جریان اختلاف مالی، مرد همسایه را کشت و جسدش را در حمام خانه اش پنهان کرد.

این مرد پس از محاکمه در دادگاه کیفری استان البرز در انتظار حکم قصاص پشت میله های زندان زندگی بزرگی را تجربه می کند.

### زورگیری وحشتناک نخبه ورزشی و مدال آور در سرخه حصار

نخبه ورزشی و دوستش به اتهام سرقت مسلحانه در پارک سرخه حصار پای میز محاکمه ایستادند. این مردان در دفاعیات خود مدعی شدند بی گناه هستند و بی دلیل بازداشت شده اند.



## این زنان دزدان سریالی تهران بودند

# شاه کلید طلاچی ۵ زن هم باشگاهی

سابقه کفبری داشته و یک بار به اتهام سرقت چند ماهی به زندان افتاده بود.

این زن به نام حمیرا که سردسته این باند است بعد از دستگیری در اعتراف به ۲۰ سرقت منزل گفت: «چند سال قبل بود که به خاطر بدهکاری تحت فشار شدید مالی بودم و نمی دانستم باید چه راهی برای فرار از مخمصه جنوب شهر یا موضوع به خانه یکی از دوستانم رفته بودم و در یک لحظه موقعیت را برای ربودن طلاهای مناسب دیدم. قبل از آن نقشه سرقت در سر نداشتم. اما آن روز وقتی دیدم که طلاهای دوستم روی میز قرار دارد در یک لحظه برق طلاها انگار چشمم را کور کرد. همه بدبختی هایم از جلوی چشمم رزه می رفت و با خودم فکر می کردم که این می تواند پایان گرفتاری های مالی ام باشد. برای همین تصمیم آتی خودم را گرفتم و به طلاها چنگ زدم و مشتی طلا از روی میز توالت دوستم برداشتم و داخل کیفم ریختم. اما درست همان شب وقتی شوهر دوستم متوجه سرقت طلاها شد از من شکایت کرد. من هم بعد از بازداشت اعتراف کردم و طلاها را به آنها پس دادم اما باید مدتی به زندان می رفتم.»

حمیرا در ادامه گفت: «در زندان با سابقه داران زیادی هم صحبت شدم. هر کدام شیوه و ترفندهای زیادی برای دزدی داشتند و آنجا بود که دیگر ترس من از دزدی و زندان ریخت.»

شاه کلید پیدا کردم مدتی بعد، حبس حمیرا تمام شد و او از زندان آزاد شد: «با آزادی از زندان با مردی دوست شدم که کلیدساز بود. یاد حرف های هم بندی هایم در زندان افتادم و با او در مورد شاه کلید حرف زدم. می گفت می تواند به من یاد بدهد که چه دردی را با چه کلیدی باز کنم و من مشتاقانه از او خواستم این را به من یاد

۵ زن هم باشگاهی باند سرقت از خانه ها تشکیل دادند و طلاجات خانه های جنوب شهر تهران را هدف دستبرد قرار می دادند.

این زنان با سرقت های طلاچی پول های بادآورده را صرف خریدهای لاکچری و سفرهای خارجی می کردند. به گزارش «ایران»، مدتی قبل رسیدگی به شکایت های سریالی ساکنین جنوب شهر با موضوع سرقت طلا از منزلشان در دستور کار محمد ولدی بیرانوند بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۳۴ ویژه سرقت مسلحانه قرار گرفت.

سرقت های بانوی بررسی ها نشان می داد سارقان از خانه این افراد فقط طلاهایشان را سرقت کرده بودند و حتی سکه های طلا را نبردیده بودند که این شیوه نشان می داد همه سرقت ها توسط اعضای یک باند انجام شده بود.

رد پای یک زن با شاه کلید تحقیقات بیشتر برای روشن شدن نحوه ورود اعضای باند به داخل خانه ها و شیوه و شگرد آنها انجام و مشخص شد که در همه موارد زن جوانی در همان روز سرقت زنگ همسایه های خانه مالباخته را زده و خود را کارگر نظافتچی معرفی کرده و گفته بود اگر ساختمان نیاز به نظافت دارد می تواند کار را انجام دهد. متهمان با این شیوه خانه های خالی را شناسایی کرده، سپس با شاه کلید وارد خانه شده و اقدام به سرقت طلا می کردند.

با اطلاعات به دست آمده اعضاء این باند تحت تعقیب قرار گرفته و بالاخره هر ۵ زن تبهکار، شناسایی و دستگیر شدند.

دسسه جنی زنانه در باشگاه ورزشی اعضای این باند سرقت ۵ خانم هستند که بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن دارند. از میان آنها فقط یک نفرشان

## طلاق پدر و مادر این دختر او را به ناکجا آباد کشاند

# زندگی جهنمی سارا در محاصره دود و پرواز

سارا، دختری ۱۸ ساله که رزی از شکستگی و پژمردگی را در استان بی رحم اعتیاد پر چهره جوان و مصومش رقم زده بود، به اتاق مشاوره راهنمایی شد.

### دخترکی آغشته به دود

در حالی که بسختی راه می رفت و رنگش پریده بود با راهنمایی دژیان کلانتری وارد اتاق مشاوره شد؛ وقتی از او علت دستگیری اش را پرسیدم گفت که معاند به حشیش است.

برایم غیر قابل باور بود که دخترکی مصوم و بی گناه که باید اکنون در پی تحصیل و ساختن آینده خودش باشد چطور در دام مهلک اعتیاد افتاده و آینده اش دستخوش توفان سهمگین اعتیاد باشد.

### زندگی جهنمی

برای خودش مهم نبود. به گفته خودش نه برایش گذشته ای وجود داشت که با خاطراتش خود را دلخوش کند و نه حال خوبی که بتواند با تکیه بر آن آینده اش را تخمین زند. داستان زندگی اش را این گونه تعریف کرد:

از وقتی یادم می آید مادر و پدرم با هم اختلاف داشتند؛ سرهمساله کوچکی دعوا می به راه می افتاد که آتشش همیشه دامن من و خواهر و برادر کوچکترم را می گرفت.

اغلب مواقع پدر و مادرم با هم قهر بودند و دعوا می کردند و مادرم به علت قهر در خانه پدری اش بود. یادم نمی آید یک روز طعم خوش زندگی را چشیده باشم. تصمیم گرفته بودم خواهر و برادر بی گناه و کوچکم را زیر چتر خود بگیرم تا کمتر احساس تنهایی کنند. گذشت تا اینکه بعد از سالها



### نظریه کارشناس

وابستگی به اعتیاد از طرفی باعث تسکین و آرامش موقت و گاهی تحریک و نشاط گذرا برای فرد می شود و از طرف دیگر بعد از اتمام این اثرات سبب جست و جوی فرد برای یافتن مجدد ماده و وابستگی مداوم به آن می شود. در این حالت فرد هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روانی به ماده مخدر وابستگی پیدا می کند و مجبور است به تدریج مقدار ماده مصرفی را افزایش دهد.

### اولین سیگاری

گذشت تا اینکه با سعید در راه مدرسه آشنا شدم. او فردی شاد و پر انرژی بود که همیشه می خندید بر عکس من که اغلب گرفته و ناراحت بودم. به راحتی جذبش شدم و شد تکیه گاه و پناه من، تمام محبتی را که پدر و مادرم از من دریغ کرده بودند، او به من داد همیشه سرشار از انرژی بود و سعی می کرد مرا از این حال و هوا در بیاورد و شادم کند.

### مادر بی عاطفه

مادرم حتی برای یک روز هم نیامد که ما را ببیند، یک روز که مخفیانه به مادرم زنگ زدم، گفت که همسر جدیدش قدغن کرده که نباید ما را ببیند و حتی به ما زنگ بزند. برایم قابل درک نبود که او آکری می خواست می توانست حتی برای دقایقی از ما سرزانی بگیرد. مگر ما بچه های او نبودیم و با این حرف سیل اشک بود که از چشمان مصوم او جاری شد او را دعوت به آرامش کردم و برایش لیوانی آب ریختم در حالی که گریه هایش تبدیل به هق هق شده بود برای دقایقی همین طور سرش را به پایین انداخته و گریست.

### بازداشت سارا

امروز که در حال گرفتن مواد از سعید بودم، مادر بزرگم به سعید پناه برده بودم و سررم بشدت درد می کرد سعید سیگاری به من داد که بکشم. قبل از آن هم چندین بار با او سیگار کشیده بودم ولی این دفعه فیری کرد، احساس خوشی و سبکی خاصی به من دست داد و تمام غم هایم به دست فراموشی سپرده شد. بعد از آن چندین دفعه نیز اقدام به کشیدن آن کردم و دیگر به حدی به آن وابسته شده بودم که حاضر شدم برای تأمین مواد تسلیم خواسته های سعید شوم. بعد از آن رفتارهای سعید سرد و سردتر شد. دیگر مثل سابق نبود و من دیگر نمی توانستم بدون سیگارهای او حال خوبی داشته باشم.

مادر بزرگم به سعید پناه برده بودم و سررم بشدت درد می کرد سعید سیگاری به من داد که بکشم. قبل از آن هم چندین بار با او سیگار کشیده بودم ولی این دفعه فیری کرد، احساس خوشی و سبکی خاصی به من دست داد و تمام غم هایم به دست فراموشی سپرده شد. بعد از آن چندین دفعه نیز اقدام به کشیدن آن کردم و دیگر به حدی به آن وابسته شده بودم که حاضر شدم برای تأمین مواد تسلیم خواسته های سعید شوم. بعد از آن رفتارهای سعید سرد و سردتر شد. دیگر مثل سابق نبود و من دیگر نمی توانستم بدون سیگارهای او حال خوبی داشته باشم.